

# کتاب الحج

- شرایط حج
- اسباب حج
- انواع حج
- مواقیب
- افعال عمره
- افعال حج
- کفارات احرام

## احصار

الف: اگر ناسک در اعمال حج بواسطه مرض از وقوف به موقوفین (عرفات و مشعر) محصور و ممنوع شد یا ناسک در اعمال عمره از ورود به مکه معذور گردید لازم است هرکدام از ایندو، قربانی که با خود آورده اند یا اگر نیاورده اند آن را تهیه کرده و به مکان قربانی بفرستند و اگر تهیه آن میسر نبود پولش را فرستاده تا با آن قربانی را خریداری نمایند

ب: وقتی قربانی به محل ذبح رسید و آن منی است در صورتی که محصور حاج بوده و مکه است به فرضی که وی معتمر باشد و بهر تقدیر بعد از رسیدن قربانی به محل مقرر لازم است که ناسک حلق یا تقصیر کرده و به نیت محل شدن از احرام خارج گردد و تمام محرمات بر وی حلال می گردد مگر تماس با زنان که آن موقوف است به اینکه در سال بعد حج بجای آورده یا عمرهای انجام دهد اعم از امسال یا سال دیگر

ج: بواسطه اشتراطی که در ابتداء احرام نموده وجوب قربانی از وی ساقط نمی شود - بلی، فائده شرط این است که وی در خروج از احرام می تواند تسریع و تعجیل کند

د: در صورتی که محصور بعد از ارسال قربانی و خروج از احرام مطلع شد که در وقت موعود نائب قربانی را ذبح نکرده احلالش باطل نیست بلکه فقط بر وی لازم است که قربانی را در سال آینده بفرستد

ه: در موقع ارسال قربانی بر محصور علی الاقوی واجب نیست تا زمان رسیدن قربانی به قربانگاه از اموری که بر محرم حرام است اجتناب کند

## احصار و صد

و: در صورتی که عذر و حصر از محصور مرتفع و زائل شود بر وی واجب است بمنظور انجام مراسم ملحق به ناسکین شود، پس اگر اعمال باقی مانده را درک نمود که هیچ والا آن را به عمره مفرده بدل نموده و پس از اتمام اعمال آن محل شود

## صد

باید قربانی را که سوق داده یا همان طوری که در حصر گفتیم غیر آن را ذبح نموده و بعد از تقصیر یا حلق در مکانی که مصدود واقع شده محل گردد و از اجتناب تمام محرمات احرام حتی زنان بدر آید بدون اینکه حالت منتظرهای داشته یا لازم به انجام طواف النساء باشد

الف: کسی که بواسطه دشمنی از اموری که ذکر شد ممنوع شده و نتواند اعمال مناسک را انجام داده و راهی غیر از همان راه مصدود عنه را نداشته یا اگر راه دیگری هست وی بواسطه نداشتن نفقه و مخارجش قطع و پیمودن آن برایش میسر نیست

اگر از عمره تمتع محصور واقع شد و سپس بطریقی که گذشت خود را محل نمود ظاهراً تمام محرمات حتی زنان بر وی حلال می شوند

## خاتمه کتاب حج

در صورتی که شروط حج فراهم باشند عمره نیز بر کسی که استطاعت آن را دارد واجب است

بر قارن و مفرد لازم است که عمره در حجتان را بعد از حج فورا بجای آورند

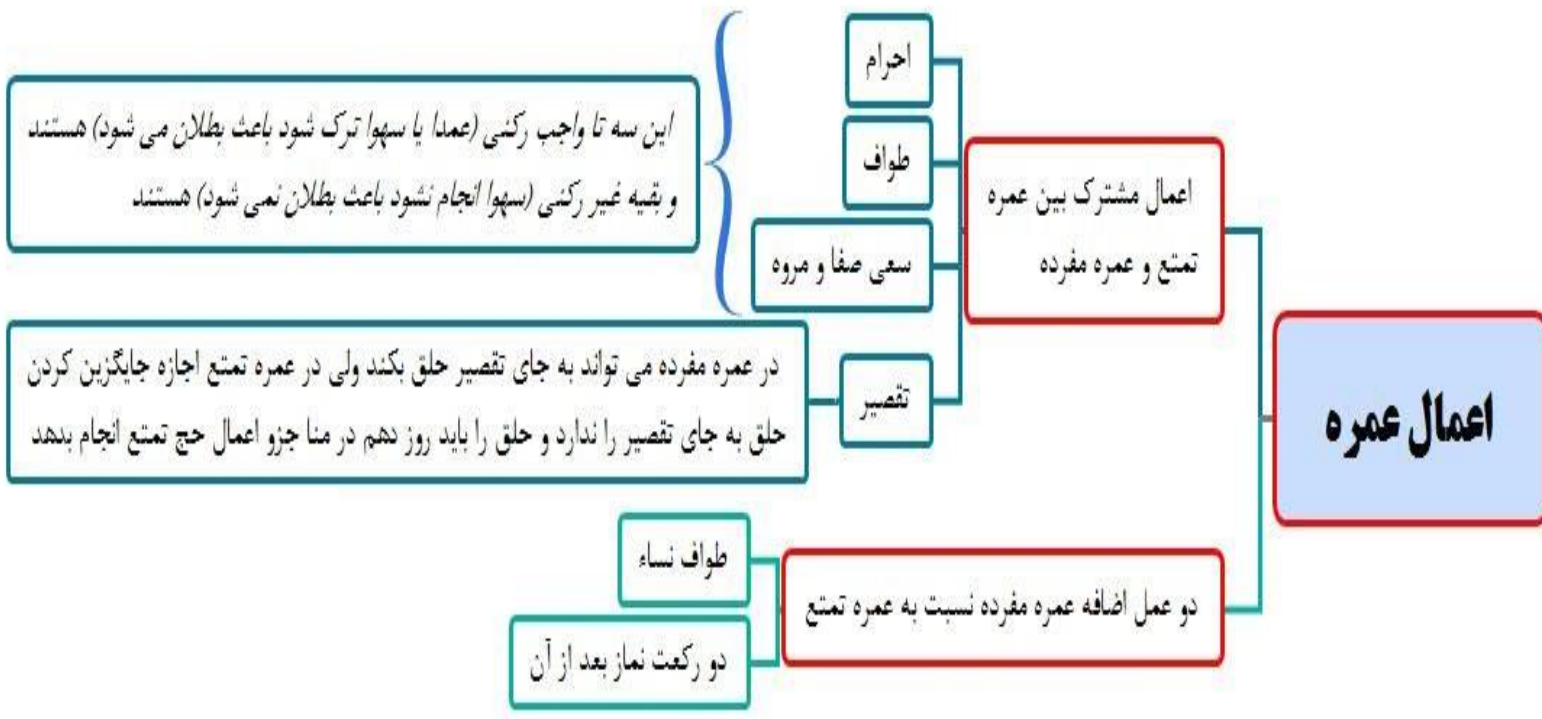
عمره اختصاص به زمان معینی ندارد

کسی که عمره واجبش را ا قضاء و بجا آورده مستحب است در هر ماه آن را انجام دهد یعنی ماهی یک بار به آوردن عمره اقدام نماید

بعضی از فقهاء فرموده اند: بین دو عمره هیچ حدّ و زمانی وجود ندارد یعنی در کمتر از یک ماه نیز میتوان دو عمره بجا آورد

این رأی نیکو و پسندیده است





# افعال حج

## احرام

- بعد از تقصیر از عمره تمتع باید برای حج تمتع محرم بشود و می تواند در این بین فاصله بيفتد ولی باید به میزانی باشد که وقوف در عرفه را که از زوال روز نهم ذی الحجه است را ترک نکند
- مستحب است در روز ترویبه یعنی روز هشتم ذی الحجه بعد از اقام نماز ظهر یا ظهرین و خواندن صلوات سنه احرام؛ محرم بشود
- واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات در اینجا همانند احرام تمتع است که گذشت
- احرام و وقوف در عرفات و مشعر و طواف و سعی جزو ارکان هستند

## وقوف در عرفه

- بر حاجی بعد از محرم شدن واجب است که از زوال روز نهم ذی الحجه تا غروب شرعی آن روز در منی وقوف بکند
- البته باید با نیت قربت و افعال مخصوص به آن باشد
- حد عرفه هم از بطن عَرْنَه و تَوْبَه و نَمْرَه تا اراک تا ذی الحجاز است
- اگر قبل از غروب عمداً از عرفه خارج بشود و برگردد باید یک شتر (بدنه) فدیه بدهد و اگر توانایی ندارد باید ۱۸ روز بیایی یا بنا بر قول اصح غیر متتابع روزه بگیرد چه در سفر و چه در حضر باشد ولی اگر قبل از غروب برگردد چیزی بر او نیست هر چند که گناه کرده است حتی اگر ناسیبا بوده باشد؛ برگشتن بعد از غروب هم اثری ندارد
- وقوف بر بالای کوه مکرهه است بلکه در پایین ترین نقطه وقوف بکند بهتر است
- اینکه نشسته یا سواره باشد نیز مکروه است
- مستحب است وقوف در منی شب نهم ذی الحجه تا طلوع فجر
- مستحب است که حاجی قبل از طلوع شمش وادی محسر (مرز منی و عرفه) را ترک نکند
- مستحب است دعا کردن هنگام خروج به سمت منی و در منی و هنگام خروج از منی به سمت عرفات
- مخصوصاً ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام بخصوص دعای امام حسین در روز منی و دعای امام سجاد علیهم السلام
- همچنین مستحب است کثرت ذکر خداوند گفتن و مستحب است دعا برای برادران مؤمن و اقل کسانی که برایشان دعا بکند - ۴۰ نفر باشد

## وقوف در مشعر

- وقتی غروب روز نهم ذی الحجه شد حاجی از منا به سمت مشعر خارج می شود و با آرامی راه می رود؛ مشعر کوهی است که ۱۲ کیلومتر با منا فاصله دارد و همچنین ۱۲ کیلومتر تا مکه
- وقتی به کیش که یک تل رملی است رسید این دعا را می خواند: اللهم ارحم موقفی، و زد فی عملی، و سلم لی دینی، و تقبل مناسکی، اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف، و ارزقنيه أبدا ما أبقيتني
- مراد از وقوف در اینجا یعنی اینکه در مشعر باشد حالا چه ایستاده چه نشسته و حتی چه خواب و چه بیدار
- اگر عمداً قبل از طلوع فجر مشعر را ترک کند باید یک گوسفند فدیه بدهد
- وقتی به مشعر رسید باید شب را تا طلوع شمس در مشعر وقوف کند
- باید نیت قربت و وقوف در مشعر بکند
- اولی این است که بعد از طلوع فجر تجدید نیت بکند
- مقدار واجب اختیاری آن از طلوع فجر است تا طلوع شمس
- حد مشعر ما بین حیاض و مازمین و صحرائی مَحْشَر است
- احیای این شب به عبادت و دعا و ذکر و قرأت قرآن
- کسی که اولین بارش است که حج رفته مستحب است که در مشعر حرکت بکند و بچرخد چه بدون نعل چه با نعل و چه حتی سواره
- مستحب است صعود به کوه قُرْج و بر روی کوه ذکر خداوند را بگوید
- شیخ طوسی گفته که مراد از مشعر همین کوه قرج است
- مستحب است جمع کردن سنگ ریزه (التقاط حصی الجمار) از مشعر و آن ۷۰ سنگ ریزه است و اگر احتیاطاً بیشتر هم بردارد اشکال ندارد
- مستحب است هروله کردن در وادی محسر برای پیاده و سواره باید مرکزیش را حرکت بدهد و مقدار استنجابش ذراع یا ۱۰۰ قدم است ۱۰۰
- استنجابش هم به قدری موکد است که حتی اگر به مکه رسیده باشد مستحب است که برگردد و انجام بدهد
- همچنین مستحب است دعا در هنگام هروله به دعای مرسوم و آن این دعا است: اللهم سلم عهدی، و اقبل توبتی، و اوجب دعوتی، و اخلفتی فیمن ترکت بعدی
- هر دو وقوف رکن هستند و ترک عمداً آنها باعث ابطال حج می شود ولی ترک سهوی آنان موجب ابطال حج نمی شود
- البته اگر هر دو وقوف سهواً ترک بشوند باعث بطلان حج می شود
- وقوف واجب اختیاری در عرفات از زوال روز نهم است تا غروب آن و ولی وقوف واجب اضطراری (که در هنگام اضطرار این مقدار هم باعث صحت حج می شود) آن شب نهم ذی الحجه است از غروب تا طلوع فجر
- وقوف واجب اختیاری در مشعر بین طلوعین روز نهم است ولی وقوف واجب اضطراری (که در هنگام اضطرار این مقدار هم باعث صحت حج می شود) آن از طلوع فجر روز نهم ذی الحجه است تا زوال
- مشرک یک وقوف اضطراری دیگر هم دارد و آن هم از غروب تا طلوع فجر روز نهم ذی الحجه است
- در مجموع هشت قسم اضطراری می شمارند که همه اقسامش فی الجمله مجزی هستند و هر کسی که عمداً اختیاری را به اضطراری تبدیل بکند حجتش باطل است

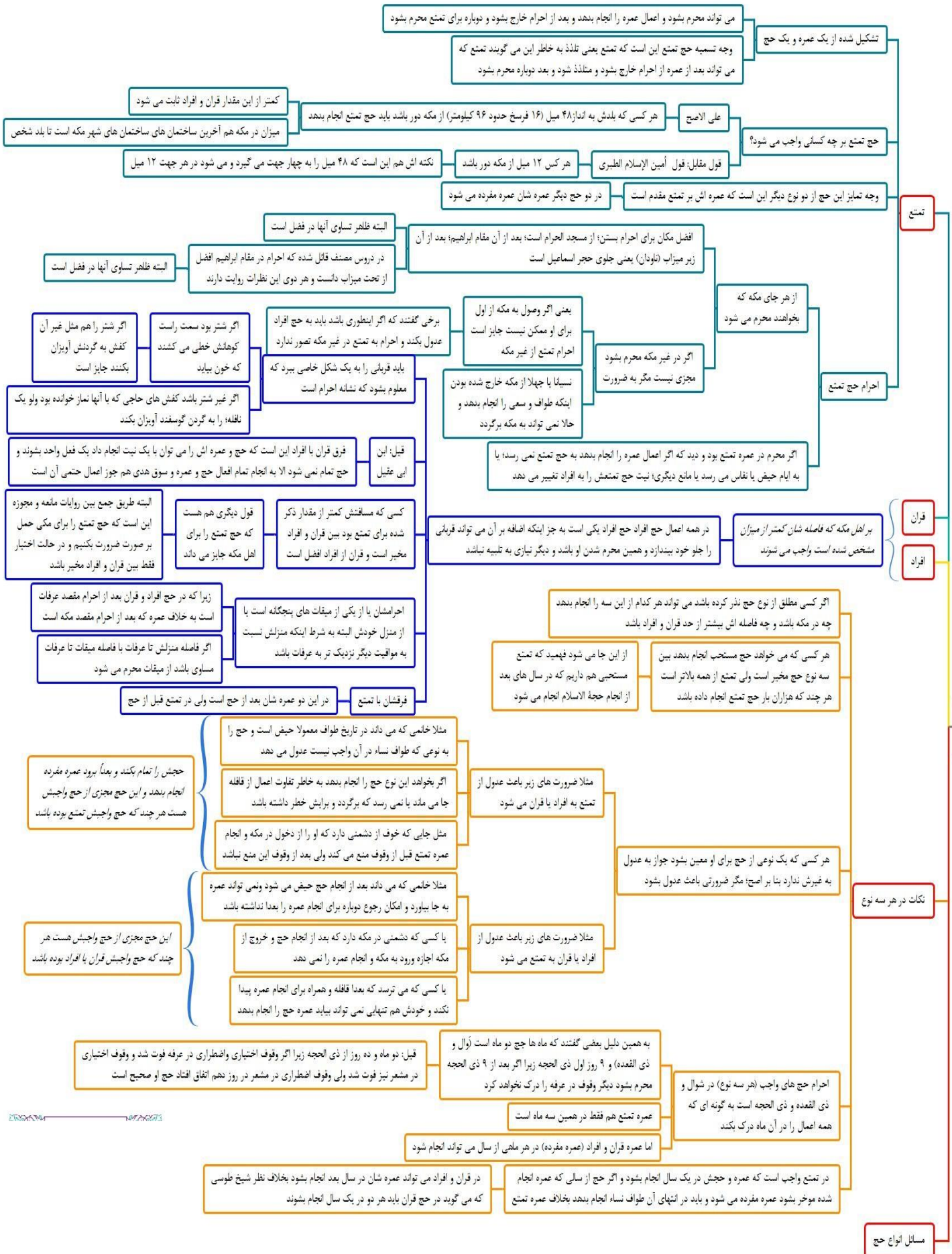
## وقوفان

- مناسک منی
- طواف حج
- سعی حج
- طواف نساء
- مبیت در منا
- رعی جمرات

کیفتشان در واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات به همان شکلی است که در عمره تمتع گفته شد فقط در نیت یا هم فرقی می کنند آنجا نیت عمره تمتع بود اینجا نیت حج است

کیفتشان هم به این شکل است که به ترتیب انجام می و شوند طواف حج و دو رکعت نماز بعد سعی بعد طواف نساء و دو رکعت نماز





# شرایط حج

## بحث لغوی

- حجّ یحجّون
- معنای لغوی
  - حجّ ای قصد
- معنای اصطلاحی
  - حجّ الاماکن المقدسه ای زارها
  - حجّ کسی که رفته اماکن مقدسه را زیارت کرده است
  - حجّ مصدر است و حجّ اسم مصدر است

## توضیح قیود

- قیود اصل شرع
  - وجوب حج گلهی بالاصله است یعنی توسط خود شارع واجب شده است
  - گلهی اوقات هم بالعرض واجب شده است یعنی مکلف آن را برای خودش واجب کرده مثل نذر؛ عهد؛ بعین؛ استیجار و غیره
  - یعنی در اولین سالی که استطاعات پیدا کرد اگر امکان دارد باید برود اگر امکان ندارد در اولین سالی که امکان پیدا کرد
- قیود علی الفور
  - اگر به تأخیر انداخته شود گناه کبیره ای است که موجب هلاکت می شود
  - اگر این حج متوقف بر مقدماتی مثل سفر و غیره باشد واجب است به وجوب فوری اتیان به آن مقدمات به صورتی که در ایام حج در مشاهد شریفه باشد
  - اگر دو گروه می رفتند باید با گروه اول برود و اگر اختیارا با کاروان دوم رفت اگر به وقت نرسد مانند کسی است که عمدا حج را به تأخیر انداخته است

## وجوب حج

- حج با اصل شرع یک بار واجب فوری می شود بر زن و مرد و خنثیای که مستطیع باشند
- حج با سبب عارضی واجب می شود مثل نذر و عهد و بعین و استیجار و باطل شدن حج واجب بالاصل الشرعی
- با تعدد سبب تعدد حج واجب می شود

## استحباب حج

- مستحب است تکرار حج برای کسی که واجبش را انجام داده است
- مستحب است حج برای کسانی که فاقد شرایط حج هستند ولی می توانند حج بروند
  - بدون استطاعات به حج برود
    - مثل عبد به اذن مولی
    - خدمه کاروان حج
    - روحانی کاروان
- اگر بعدا مستطیع بشود این حج کفایت نمی کند چون مستطیع نبوده است و باید دوباره حج واجبش را به جا بیاورد

## شرایط وجوب حج

## شرایط صحت حج

# استطاعت در حج نذری

استطاعت در حج نذری استطاعت عقلی است و نه شرعی و همین که بتواند خودش را برساند کفایت می کند

شبهه اول در درس گفته است که در حج نذری هم استطاعت شرعی شرط است

نقد شبهه نثنی

پس در حالتی که نذر قبل از استطاعت باشد و بعد استطاعت رخ بدهد این استطاعت برای حج نذری خواهد بود و مقدم بر حجه الاسلام است ولو اینکه نذر مطلق باشد

نظر

ولی ظاهر نصوص و ظاهر فتاوی فقها این است که استطاعت نذر را عقلی می دانند

اگر استطاعت نذری را شرعی بدانیم و قبل از استطاعت نذر بکنند؛ و سپس مستطیع بشود تعارض پیدا می شود که برای کدام حج است؛ حجه الاسلام که از اول مشروط به حاصل آمدن استطاعت شرعی بود و حال که حج نذری هم متوقف بر استطاعت شرعی است؛ چرا نگوئیم استطاعت از اول شرط حجه الاسلام بود و حال که حاصل آمده برای حجه الاسلام است و اگر دوباره استطاعت شرعی حاصل شد حج نذری هم انجام می شود و الا فلا

حجه الاسلام واجب نفسی است و حج نذری واجب غیری و استطاعت شرعی حاصل آمده ابتدا برای واجب نفسی است و اگر دوباره استطاعتی حاصل حج نذری واجب می شود

ضمن اینکه نذر مطلق که قطعاً بعد از حجه الاسلام قرار می گیرد

زیرا که می شود بعد از اجتماع داده و وجوب فوری حج را هم می توان به استطاعت حجه الاسلام زد و اگر دوباره استطاعت حاصل شد نذر را انجام می دهد

نقد شبهه نثنی

حج نذری در این حالت مثل دین است و از مویزه حساب می شود و باید از مال کم بشود و اگر کم شد و به حد استطاعت نرسید حجه الاسلام ساقط می شود

اگر در انجام حج نذری در سال اول کوتاهی کرد سال بعد هر دو واجب می شوند و حجه الاسلام مقدم است

نظر

حج نذر که زمان داشت و زمانش گذشته است ولی چون بر او واجب شده بود مثل دینی است بر گردن او و باید برود

این نقد شما فرع بر قبول این است که بذورش استطاعت شرعی مستلزم اولویت پیدا کردن حج نذری بشود که می تواند اینطور نباشد

نظر









مسائل انواع حج

مسئله اول: اگر شخصی در حال انجام حج افراد مستحبی باشد می تواند عدول به عمره تمتع بکند

مسئله دوم: در حج قرآن و افراد که باید بعد احرام به عرفات بروند جایز است در هنگام دخول به مکه طواف و سعی انجام بدهد چه جشن واجب باشد و چه مستحب

مسئله سوم

مسئله چهارم: برای عمره و حج باید نیت و احرام جداگانه نمود و نمی توان این دو را به نیت واحد و احرام واحد انجام داد

این همان تمنعی است که خلیفه دوم آن را منع کرد  
به شرط اینکه بعد از طواف و سعی دیگر تلبیه نگویند زیرا انجام طواف و سعی فی الجمله او را محل می کنند و تلبیه برای مجرم شدن است و این دو با هم متناقض هستند زیرا که عمره تمتع بعد از دخول به مکه دیگر تلبیه ندارد

اگر در این حالت تلبیه گفت متع او باطل می شود و برمی گردد به همان حجی که از آن عدول کرده و اینجا تلبیه گفتن متناقض با طواف و سعی ندارد زیرا در حج افراد تقدیم سعی و طواف بر ووقوف جایز است  
اگر قبل از سعی و طواف تغییر نیت بدهد باید تلبیه بگوید پس یک جلهایی علاوه بر نیت باید تلبیه هم بگوید  
قبل: در هر حالت فقط نیت کافی است و حتی اگر قبل از طواف و سعی باشد نیازی به گفتن تلبیه نیست  
این ادویس

به دلیل عمومیت اخبار: زیرا که در روایاتی که پیاسر می آید به عدول در حج قرآن کسی که هدی نداشته کرده عقیده به ندب و غیر ندب نیست  
نقد شهید ثانی: اینکه شما می گوید چه حج متعین باشد و چه نباشد بعد از شروع می شود عدول کرده در اندک که عدول اولی (مکنه متعین) است در حالی که خود شما عدول در ابتدا در حج متعین را قبول ندارید

در حج افراد واجب عدول نیت به عمره تمتع جایز نیست  
قبل: در حج افراد و قرآن واجب هم می تواند تغییر نیت بدهد خواه متعین شده باشند مثل نذر به آنها یا مخیر باشند مثل نذر کننده مطلق یا کسی دو منزل در مکه و غیر مکه دارد و سکونتش در آن دو مسوی است

به همین دلیل بعضی اصحاب گفتند عدول در واجب متعین نیست: برای جمع بین روایاتی که مطلقا عدول را جایز دانستند و روایاتی که هر قومی را نوعی اختصاص دادند مثلا مکی ها را قرآن و افراد اختصاص دادند

این قول که عدول فقط در غیر متعین است اولی بلکه متعین است اگر قائل به جواز عدول از افراد به تمتع در ابتدا نشویم و اگر قائل به جواز عدول از ابتدا شدیم اولی جواز عدول به صورت مطلق است

این حکم مختص به طواف حج است نه طواف نساء زیرا که تقدیم طواف نساء جایز نیست مگر در ضرورتها مثل خوف حیض بعد از وقوفین که دیگر نتواند طواف نساء را انجام بدهد

اگر تلبیه را ترک بکند بنا بر اشهر محل می شوند و جحشان به دلیل عدم افعال عرفات مشکل پیدا میکنند  
بنا بر مشهور که تلبیه را شرط می دانند باید فوری تلبیه بگوید و نیازی به آماده نیت ندارد  
اگر تلبیه نگویند جحشان تبدیل به عمره می شود و از قرآن و افراد به تمتع تبدیل می شود و مجزی از واجبات هم نیست

قبل: محل نمی شود فقط با تغییر نیت و مصنف هم در دیوس با اینکه تلبیه را اولی دانست ولی عدم ذکر آن را موجب محل شدن نمی داند  
اگر تلبیه را ترک بکند بنا بر اشهر محل می شوند و جحشان به دلیل عدم افعال عرفات مشکل پیدا میکنند  
بنا بر مشهور که تلبیه را شرط می دانند باید فوری تلبیه بگوید و نیازی به آماده نیت ندارد  
اگر تلبیه نگویند جحشان تبدیل به عمره می شود و از قرآن و افراد به تمتع تبدیل می شود و مجزی از واجبات هم نیست

ولی برای تمتع تقدیم طواف و سعی بر ووقوف جایز نیست مگر اضطرارا که آن هم فقط طواف و دو رکعت نماز مقدم می شوند نه طواف و سعی

اضطرار مثل خوف حیض متأخر  
در این حالت هم واجب است که فوری بعد از نماز تلبیه بگوید  
در جواز طواف مستحبی برای تمتع در هنگام ورود به مکه و قبل از رفتن به عرفات دو وجه است

جایز است زیرا عبادتی است مستحبی  
در جواز طواف مستحبی برای تمتع در هنگام ورود به مکه و قبل از رفتن به عرفات دو وجه است

اگر هم طواف مستحبی انجام داد باید فوری تلبیه بگوید

اگر شخصی مکی باشد و نمازش از میقات نزدیک تر به عرفات باشد باید از خانه اش منجر بشود: اگر شخصی از منزل و عرفات فاصله بگیرد و فاصله او تا عرفات بیشتر شود برای انجام اعمال حج واجب است که مثل قبیه از میقات منجر بشود

اگر شخصی دارای دو منزل باشد یکی در مکه و یکی در افاق (خارج از مکه) برای او صورت هایی پیش می آید  
اقامت در افاق غلبه دارد باید حج تمتع انجام بدهد  
اقامت در مکه غلبه دارد باید قرآن یا افراد انجام بدهد  
اقامت در هر دو مسوی است در نوع حج مخیر است  
مسافت سفر بین این دو منزل هم جزو هیچکدام حساب نمی شود باید در جایی که اقامتش ثابت است همانجا هم مستحبی شده باشد

اگر دو سال ساکن بود و مستحب شد قرآن و افراد واجب می شود هر چند که قبل از آن بیشتر از دو سال در افاق ساکن بوده باشد و برای دو سال سکونت هم فرقی نمی کند که بخشی از آن دو سال در قبل از سن تکلیف باشد یا نه و یا نمازش در این دو سال در آنجا کامل بوده باشد یا نه و یا اختیارا در مکه ساکن شده باشد یا اجبارا و یا اینکه منزل مال خودش باشد یا قسمی باشد  
قبل از دو سال سکونت در مکه یا وجود اینکه در مکه است تمتع بر او واجب می شود نه قرآن و افراد  
حجی که قبلا برای آن مستحبی شده است را باید انجام بدهد  
اگر هم مکی به افاق سکونت گزیند باید بعد دو سال سکونت را بکند و استطاعت هم در همانجا حاصل شده باشد تا حج تمتع واجب شود و اگر استطاعت از قبل در مکه حاصل شده قرآن یا افراد واجب است  
سایر بحث هایی که در اقامت در مکه دو وجه اینجا نیز هست

هدی در غیر تمتع ابتدائا واجب نیست حتی اگر قرآن باشد: زیرا در قرآن هم مخیر بین تلبیه و هدی بودیم

به خلاف حج تمتع که هدی ابتدائا واجب است: و هدی جزو نسکی است که جایگزین ندارد و جزو اعمال حج تمتع است

شیخ طوسی می گوید که هدی جبران است و جزو اعمال نیست و اگر کسی احرام از میقاتش قوت شد برای جبران آن هدی انجام می دهد

وجه وفای این دو نظر در جایی است که شخصی در مکه منجر بشود و به سمت عرفات خارج بشود ولی از میقات عبور نکند: بنا بر هر دو نظر هدی واجب می شود

اگر این کار را بکند هر دو باطل است

شیخ طوسی با مشهور مخالفت کرده و گفته که با این کار فقط حج منعقد می شود و عمره باطل است  
این آیه علیل تیز هر دو را صحیح دانسته و در واقع حج و عمره را با یک نیت صحیح می دانند  
عمره باطل می شود حتی اگر قبل از پایان انجام باشد  
دخول عمره در حج در حج قرآن و افراد است که قبل از پایان حج و محل شدن از حج نیت عمره بکند

انته این نظر در جایی است که حج بر عمره مقدم باشد مثل افراد و قرآن ولی اگر عمره مقدم باشد مثل تمتع عمره منعقد و حج باطل می شود  
اصلا این آیه علیل می گوید قرآن را به این دلیل قرآن می گویند که جمع بین حج و عمره به یک نیت همراه با سوئی هدی می شود

عمره در حج و با حج در عمره داخل نمی شود  
دخول حج در عمره در حج تمتع است که قبل از پایان عمره و محل شدن از حج نیت حج بکند

روایت: تمتع انا طواف و سعی ثم لبی قبل ان یفصر فیس له ان یفصر و لیس له تمتع

حج را تمام میکند و بعدا عمره مفرد انجام می دهد  
حج را تمام میکند و بعدا عمره مفرد انجام می دهد  
نیت دادن به بروی بودن این حکم توسط مصنف اشعار در توقف او در حکم دادن دارد زیرا

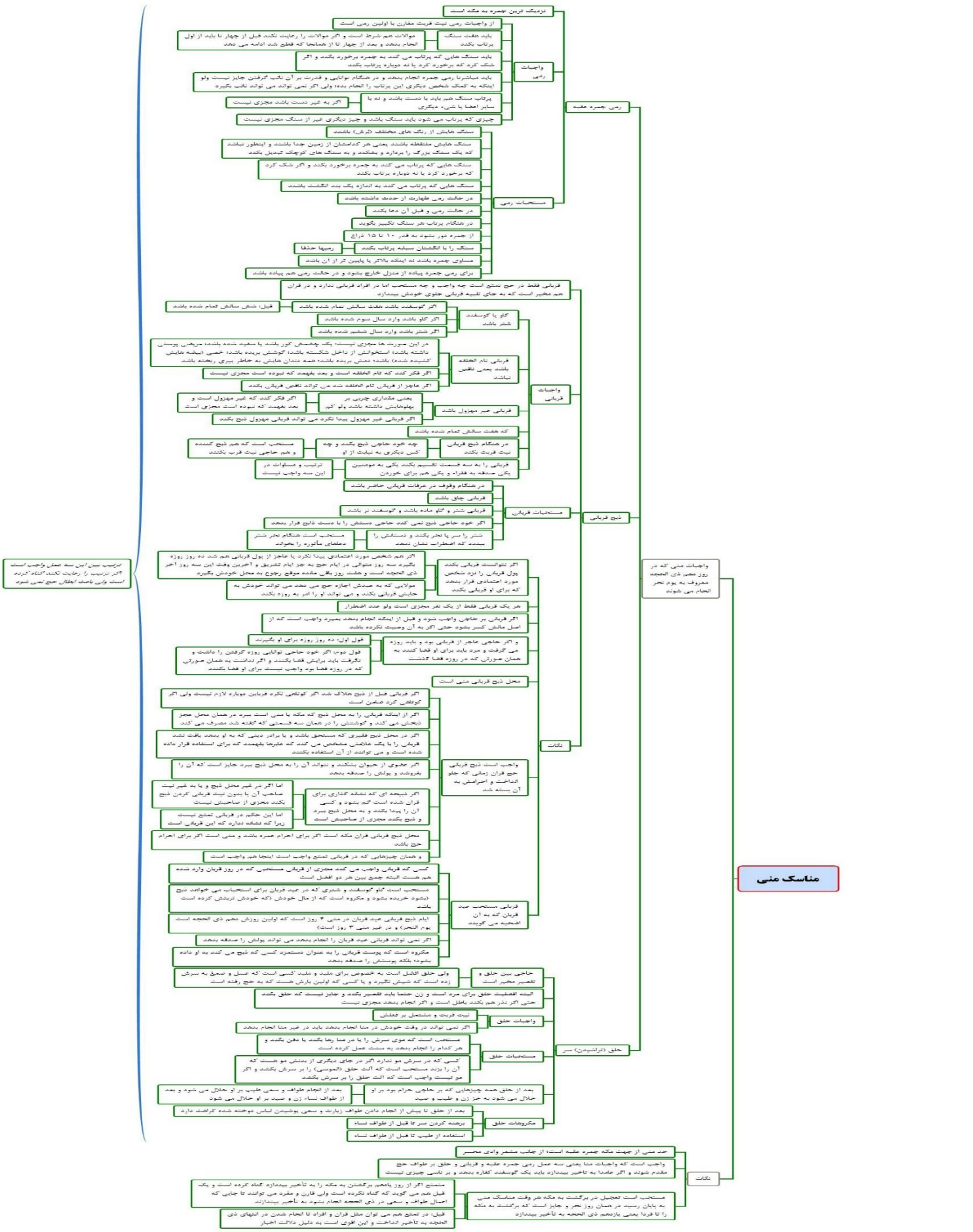
در این زمان که حج تبدیل به حج قرآن شده و عمره باطل شده مجزی از حج واجبات نیست

کسی هم که جهلا حج را در عمره داخل بکند همانند عباد است  
اگر نسبیا حج را در عمره داخل کرد چیزی بر او نیست و حج و عمره اش صحیح است و قضای تقصیر هم بر او واجب نیست زیرا تقصیر جزو اعمال عمره نیست بلکه نشانه محل شدن است: فقط مستحب است که برای جبران عدم تقصیر گوسفندی قربانی بکند

اگر قبل از سعی: عمره حج را داخل کند حج باطل است  
اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر این کار را بکند عمره باطل و حج صحیح است و تبدیل به حج افراد می شود

مهمترین حکم به اینکه حج مفرد صحیح است یعنی حکم به صحیح بودن آن چیزی که نیت نشده است زیرا شخص نیت حج مفرد که نکرده بلکه نیت حج تمتع کرده آن چیزی که قصد کرده واقع شده و آنچه واقع شده آن چیزی که قصد کرده نیست  
مصنف در دیوس روایت را به حالتی حمل کرد که از افراد تلبیه اینجا باعث بطلان تمتع و برگشت به افراد شده است  
از این گذشته روایت هم صحیح در صحیح بودن حج و باطل بودن عمره نیست  
شیخ طوسی روایت را حمل کرده به جایی که عمدا حج را در عمره داخل می کند و تمتع او به قرآن تبدیل می شود  
نظر  
کلا در این مسئله فرض ما عمد است و اگر صحرا باشد که چیزی بر او نیست

پس اینجا هم باید به باطل بودن حج و صحیح بودن عمره حکم بکنیم



مناسک منی

# واجبات احرام

نیت قربت به طوری که مشتمل بر مشخصات عمره ای باشد که می خواهد انجام بدهد

اینکه احرام حج است یا عمره تمتع یا چیز دیگری با احرام اسلامی است یا نذری و غیره

لَيْتَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْتَيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالسُّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتَيْكَ

مقارن با نیت قربت ذکر تلبیه بگوید

البته کثیری از فقها قائل به مقارنت نیت احرام و نیت تلبیه نشدند و حتی تلبیه را جزو اعمال احرام ندانستند؛ حتی در نصوص دلیلی برای مقارنت یافت نمی شود بلکه گاهی تصریح به جدایی آنها شده است

جایز نیست لباسش از پوست یا موی حیواناتی که خوردن گوشتان جایز نیست یا پوست حیواناتی که خوردن گوشتشان جایز است ولی ذبح شرعی نشده اند؛ باشد

لباس حریر برای مرد جایز نیست ولی برای زن جایز است

پوشیدن لباس نازک هم جایز نیست

پوشیدن لباس نجس نیز جایز نیست به جز آنچه که در نماز عفو شده است

لباس دوخته به هر نحوی که باشد حتی گره زده شده برای مردان جایز نیست ولی برای زنان جایز است

پوشیدن بیش از دو تکه لباس جایز است ولی کمتر از دو تکه جایز نیست

اقوا این است که پوشیدن دو تکه لباس برای احرام واجب است و اگر آن را ترک بکند گناه کرده است ولی باعث ابطال احرام نمیشود

مقلوب هم یعنی یا پیراهن را بالا به پایین بکند یا پشت و رو بکند و در هر دو حالت داخل کردن دست ها در قبا یا قمیص جایز نیست

اگر ازار داشت و ردا نداشت؛ می تواند قبا یا پیراهن را مقلوب بکند و ببوشد

لباس به گونه ای باشد که یک تکه آن را ازار و یک تکه را ردا قرار بدهد

اینکه بالا به پایین کند نسبت به پشت و رو کردن اولی است و جمع هر دو آکمل است یعنی هم پشت و رو کند هم بالا و پایین

اگر ازار نداشت می تواند شلوار ببوشد

مقلوب کردن شلوار واجب نیست

موقعی که برای عذر این دو کار را کرد کفاره ای بر او واجب نمی شود

پوشیدن لباس احرام

لباسی که از جنس هایی باشد که نماز در آنها صحیح است

در حج قران می تواند تلبیه بگوید و می تواند هدی جلو بیندازد اگر شتر باشد خطی بر کوهانش بیندازد که خون بیاید و در غیر شتر کفش هایش را به گردنش بیندازد

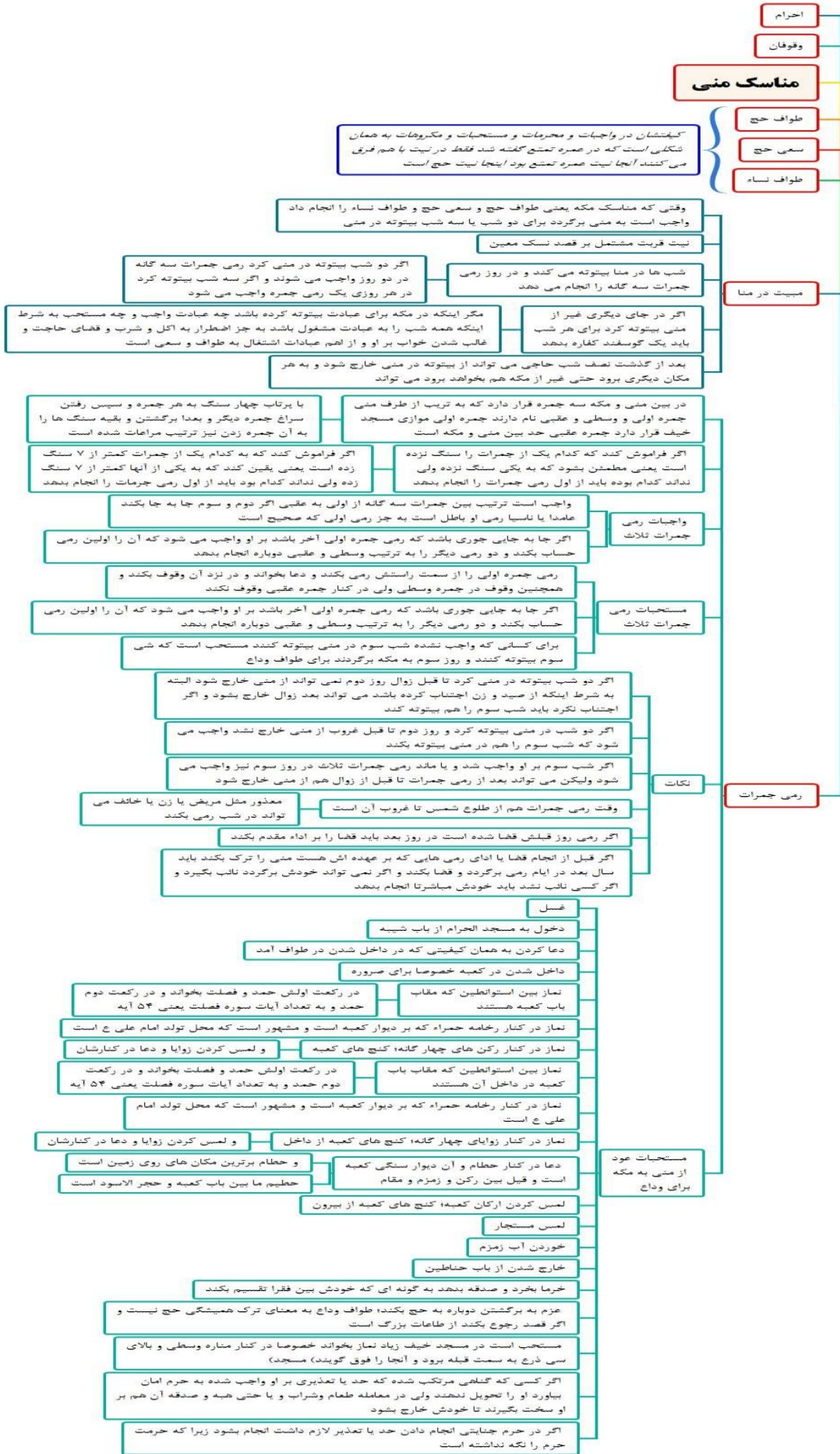
به هر کدام که انجام بدهد آن یکی هم استجیاب پیدا می کند

این کار را هم باید مقارن و چسبیده به احرام انجام بدهد









# مستحبات احرام

مستحب است که موهایش را از اول ذی القعدة کوتاه نکند

مستحب موكد است از اول ذی الحجّه  
قبیل: واجب است که موهای خود را نتراشد و اگر تراشید باید یک گوسفند برای كفاره قربانی بکند

قبل از احرام خودش را تنظیف بکند

ناخن هایش را بگیرد

سببش را بتراشد

موهای بدنش را نوره بکشد  
اگر تا ۱۵ روز قبل کشیده باشد كفایت می کند

غسل

ابن ابی عقیل قائل به وجوبش است

مکان غسل هم نزدیک به مسجدی است که می خواهد محرم بشود اگر در مسجد محرم می شود

زمان آن هم روزی است که محرم می شود به گونه ای که بین غسل و احرام حدث و اکل و پوشیدن آنچه برای محرم حلال نیست انجام نشود

اگر هم می ترسد که در محل احرام آب برای غسل پیدا نکند در نزدیک ترین زمان غسل بکند و بعد از غسل لباس های احرام را بپوشد؛ البته این به معنای محرم شدن قبل از میقات نیست و باید با همان حالت وارد میقات بشود و در میقات محرم بشود

در اینکه برای کسی که آب نمی یابد به جای غسل تیمم جایز باشد شیخ طوسی قائل به جواز شدند و اشکالی هم ندارد هر چند که مستند حرفش مجهول است و شاید مستند حرفشان عمومیتی باشد که در روایت برای استحباب تیمم هنگامی که آب نباشد، هست

صلوات سنه احرام

ابن نمازشش رکعت است و اتیان آن به همین صورت افضل است ولی اگر مقدور نشد چهار رکعت بخواند و اگر باز هم مقدور نشد دو رکعت بخواند و هر چه کمتر بشود از فضیلت دورتر می شود

اگر می تواند صلوات سنه احرام را قبل از فریضه بخواند و اگر نه به اتیان صلوات سنه احرام اکتفا بکند

بعد از نماز ظهر محرم بشود اگر نشد بعد از یک نماز واجب دیگر و اگر نشد صلوات سنه احرام را بخواند و محرم بشود

مستحب است که مرد با صدای بلند تلبیه بگوید

و مستحب است زن و خنثی با صدای پایین تلبیه بگویند و جایز است برایش با صدای بلند گفتن موقعی که نامحرمی نباشد

مستحب است که در حالت های مختلف تلبیه را ذکر بکند

موقعی که سوار وسیله نقلیه ای می شود؛ موقعی که از وسیله نقلیه پیاده می شود؛ موقعی که سربالایی بالا می رود یا از سرازیری ای پایین می آید و موقع ملاقات کسی؛ موقع بیداری خصوصا در سحر و بعد از نمازها و همچنین مستحب است اضافه کردن ذکرهای مستحبی وارده به اذکار تلبیه؛ لبیک ذا المعارج لبیک، لبیک داعیا الی دار السلام، لبیک لبیک غفار الذنوب " .. الی آخر ما روی فی المستدرک ۲۶ / ۸ - ۷ أبواب الإحرام

در عمره تمتع مستحب است به محض اینکه خانه های مکه را دید تلبیه را قطع بکند

اگر عمره مفرده است مستحب است وقتی داخل حرم شد تلبیه را قطع بکند

اما اگر حاجی بود مستحب است تا ظهر روز عرفه تلبیه بگوید  
و اگر از میقات گذشته بود و محرم نشده بود و حالا به نزدیک ترین نقطه خروج از حرم رفته و محرم شده به دلیل عدم فاصله با حرم تا دیدن خانه های مکه تلبیه بگوید

مستحب است اشراط قبل از نیت احرام

مثلا شرط کند که اگر مشکلی برایش پیش آمد بتواند بیاید بیرون

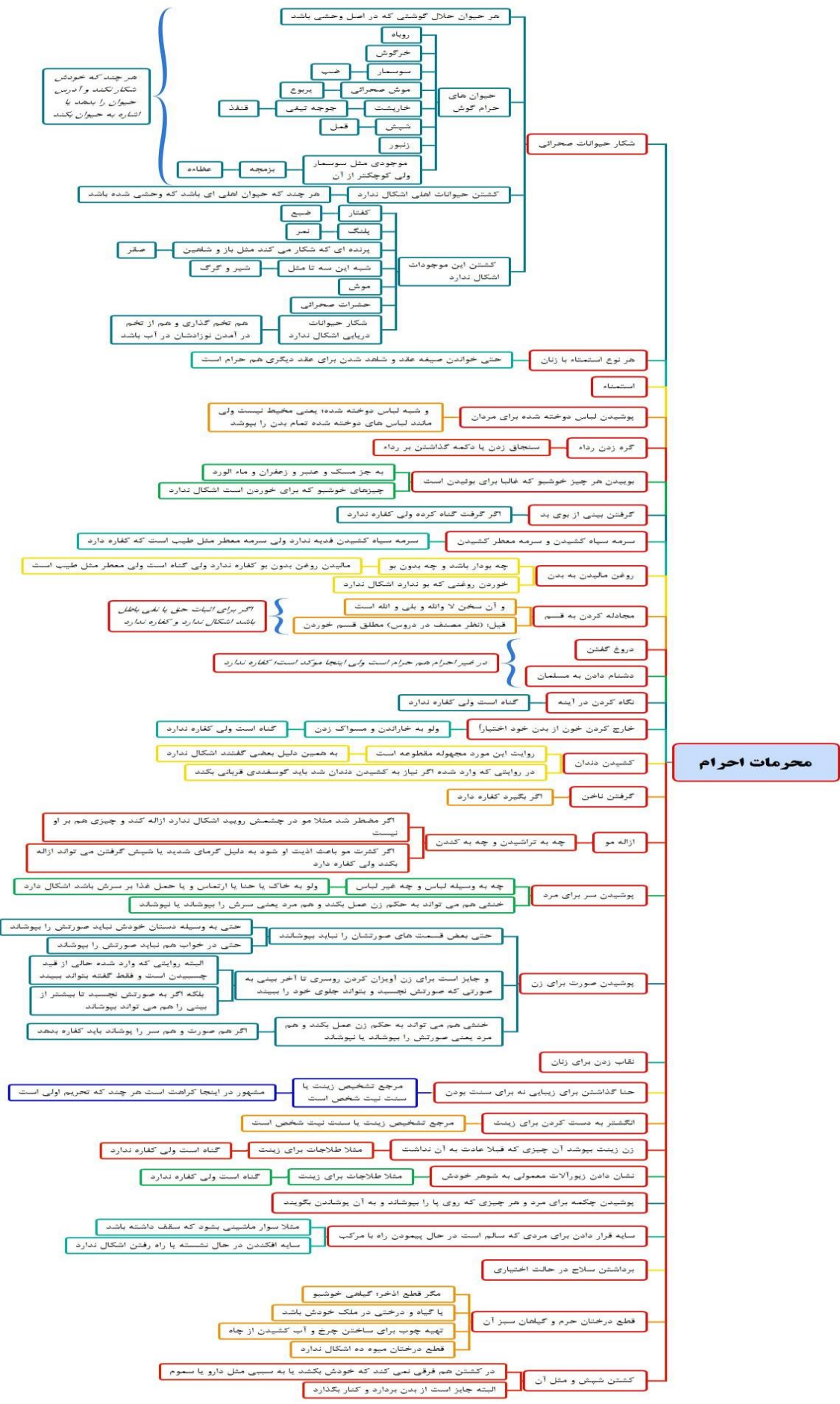
لفظی که روایت شده این است: اللهم إني أريد التمتع بالعمرة إلى الحج علي كتابك و سنة نبيك صلي الله عليه و آله فإن عرض لي شيء يحبسني فحلني حيث حبستني لقدرك الذي قدرت علي اللهم إن لم تكن حجة فعمرة، أحرم لك شعري و بشرى و لحمي و دمي و عظامي و مخي و عصبى من النساء و الشباب و العليبي أبتغي بذلك وجهك و الدار الآخرة



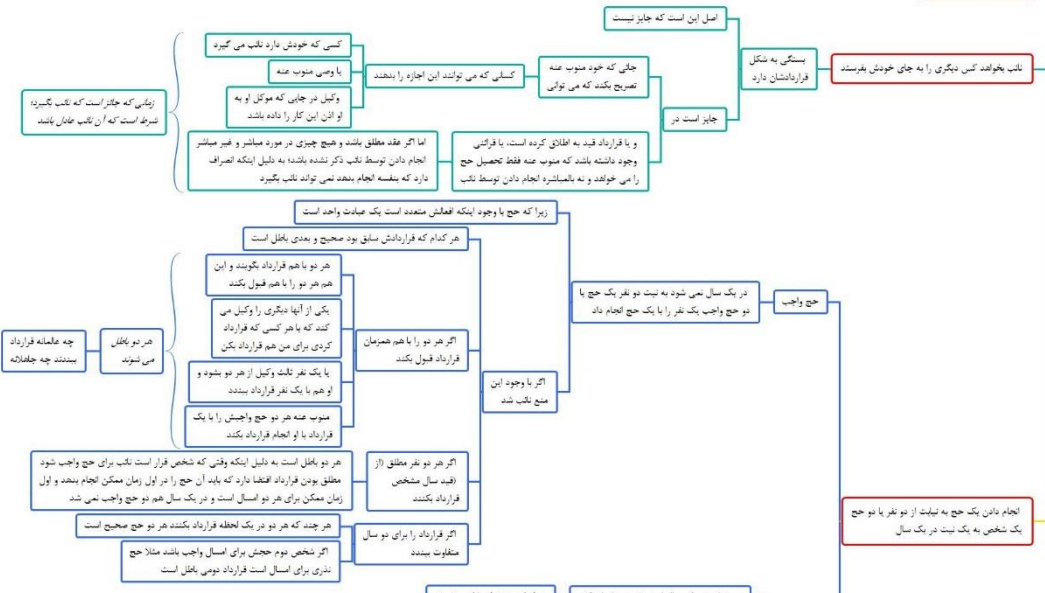




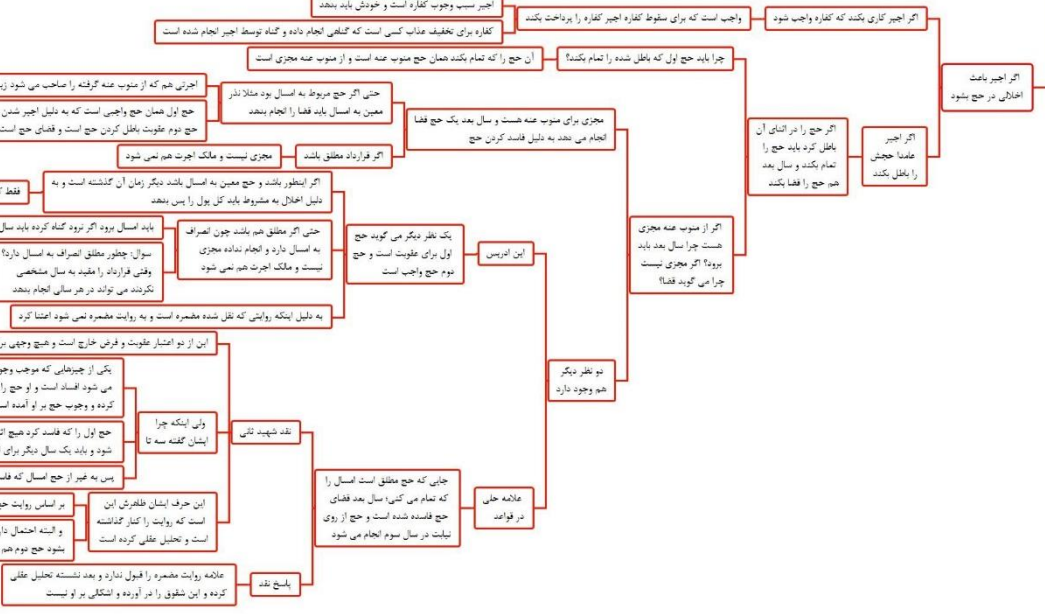
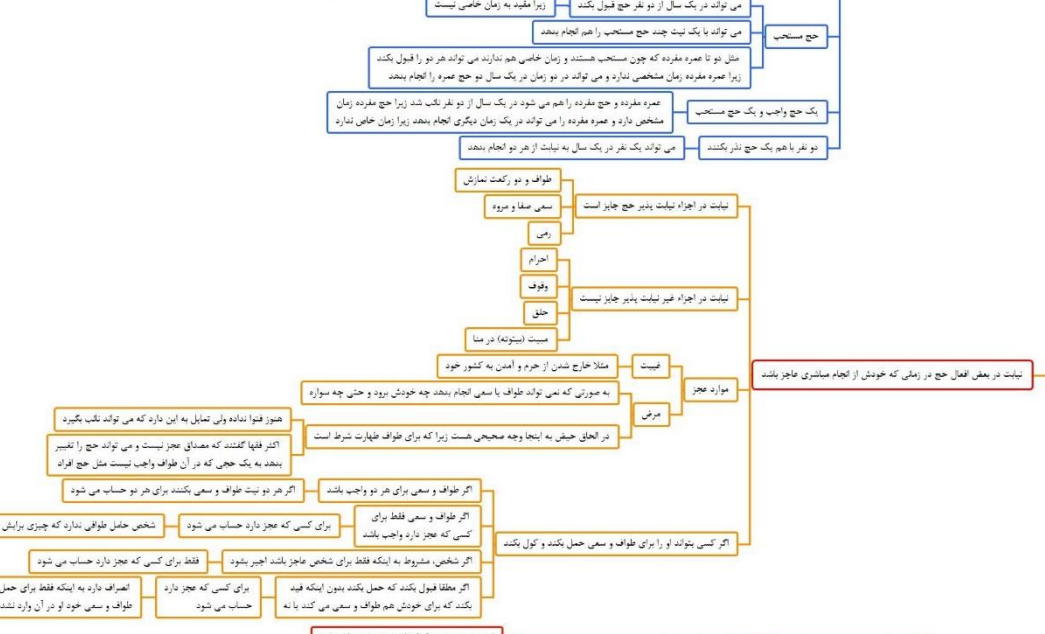




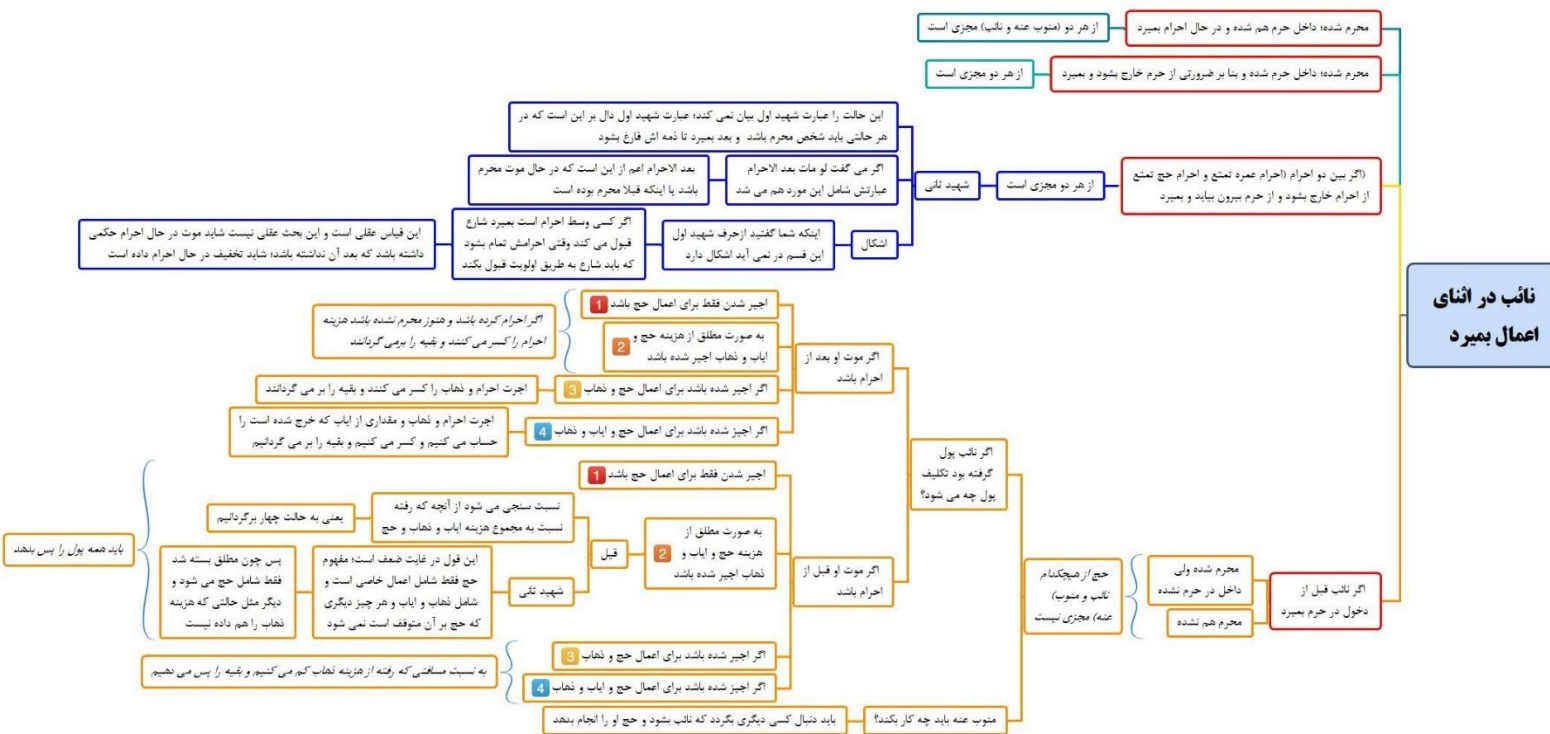
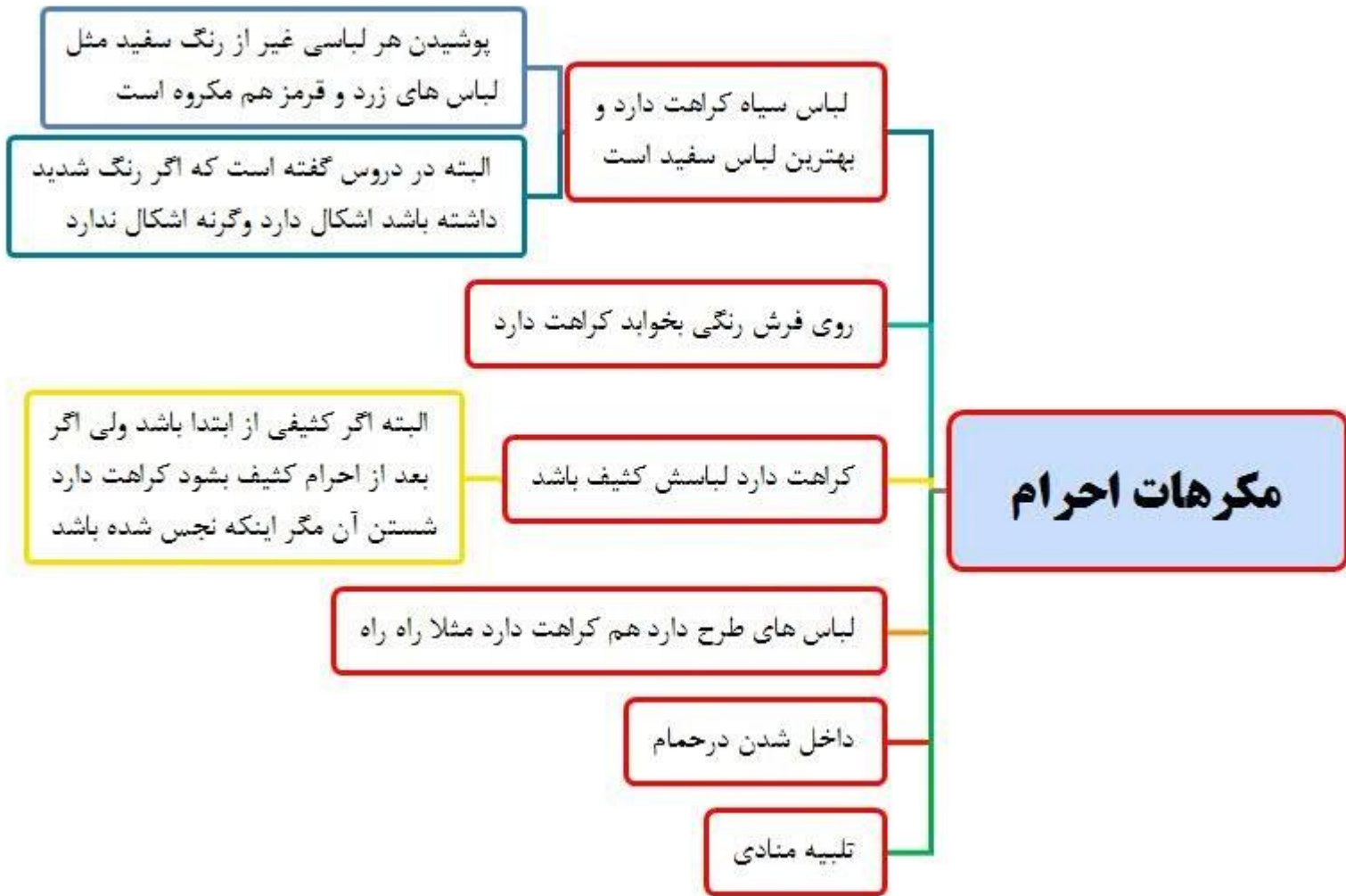




**اتقائاتی که در نیت ممکن است بیفتد**



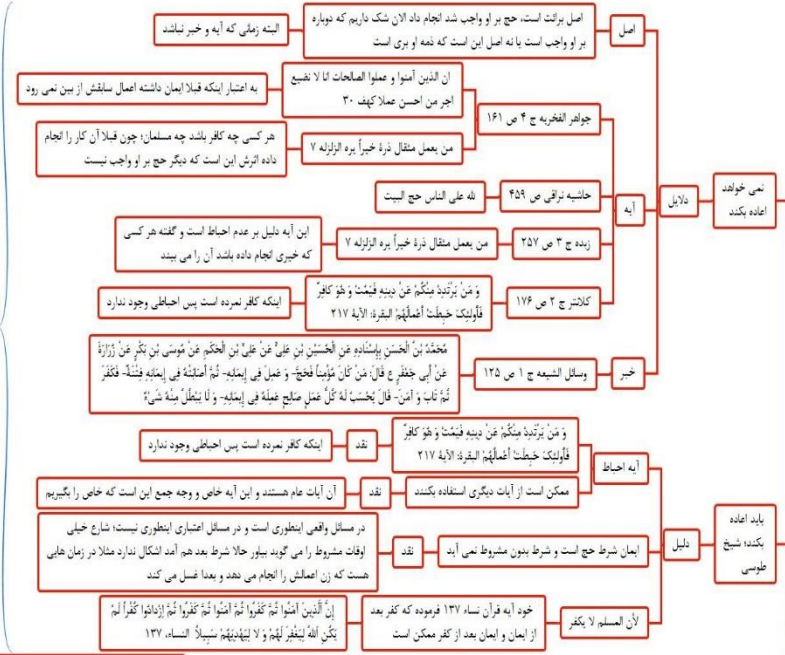






# نکات و نظر آتی در شرایط وجوب حج

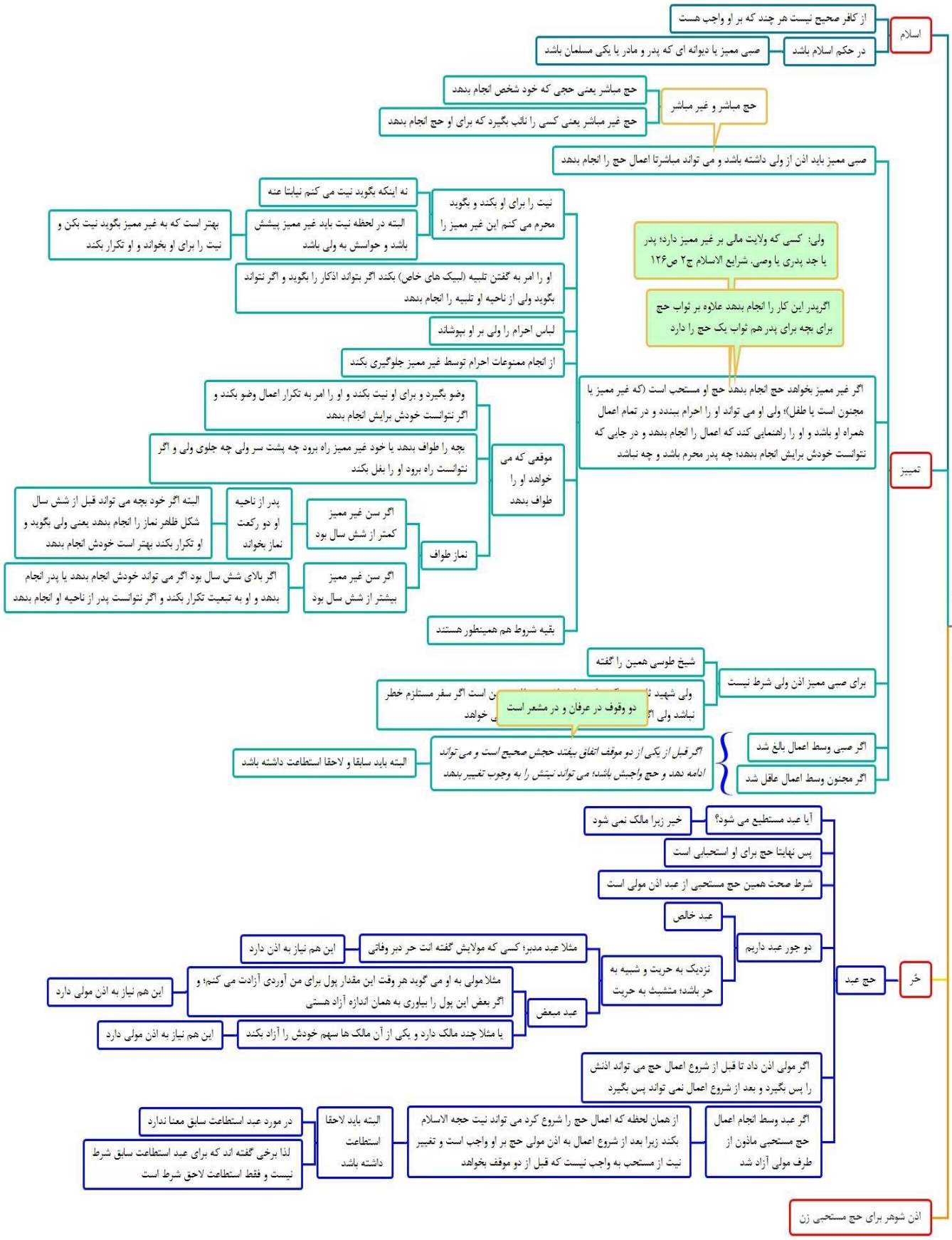
اگر پیر یا مریض است یا دشمن خاصی دارد که نمی‌گذارد برود حج  
 برخی یک شرط دیگری اضافه کردند که برای زن شرط است که یکی از محارمش با او برود  
 برخی از فقها یک شرط دیگری اضافه کردند که شبیده اول و ثانی آن را قبول ندارند  
 استنباط حج از میت



**جمعیت نامی**  
 جمعیته نامی  
 برای حل تعارض بین این دو دسته روایات  
 از اینکه با وجود امر داشتن نمی‌توانیم حمل بر این می‌شود که آن امر حمل بر استصحاب است و در روایت هم کلمه ی احب الی داریم پس مستحب است



# شرایط صحت حج



## شرط صحت طواف

### رفع حدث

مقتضای این شرط عدم صحت از زن مستحاضه و کسی که باید به جای وضو یا غسل تیمم بکند زیرا رفع حدث برای این دو انجام نمی شود

در دروس مصنف به صحت طواف مستحاضه و متیمم حکم کرده است

این حکم به رفع حدث برای طواف واجب است و برای طواف مستحب رفع حدث شرط نیست هر چند که بدون حدث باشد کامل تر است

### برطرف کردن خبث

اگر لباس یا بدن نجس باشد طواف صحیح نیست

بیان به صورت مطلق اقتضای عدم فرق بین آنچه در نماز عفو شده و آنچه نشده است را دارد و مصنف در دروس به این تصریح کرده است

قیل: برطرف کردن نجاست شرط صحت طواف نیست

البته اگر امکان داشته باشد؛ یعنی اگر وقت ختان تنگ باشد به طوری که اگر ختنه بکند مانع از درک وقوف در عرفات می شود ختنه کردن ساقط می شود

ختنه بودن برای زن شرط نیست هر چند که ختنه کردن زن مستحب است و در خنثی هم ظاهراً عبارت عدم شرط بودن ختان است ولی اعتبار ختان در حق خنثی قول قوی است به دلیل عمومیت نص

ختنه بودن برای صبی هم شرط نیست

### ختنه بودن مرد

### پوشدن عورت

به میزانی که در نماز واجب است پوشانده شود؛ پس برای زن و مرد با هم فرق می کند برای زن پوشیدن تمام بدن به جز وجه و کفین واجب و برای مرد فقط پوشیدن قبل و دبرش واجب است



# مستحبات نیابت



# واجبات طواف

نیت

نیتی که مشتمل بر قصدش که چه نوع حج یا عمره ای است و مشتمل بر قصد قربت و مقارن شروع اولین شوط باشد

شروع و پایان هر دور طواف از حجر الاسود

به این شکل که اولین جزء بدنش مسلوی اولین جزء از حجر الاسود باشد و افضل این است که در هنگام نیت رو به حجر الاسود باشد و سپس به طرف راست بچرخد که کعبه در طرف چپش قرار بگیرد

این رو به حجر الاسود بودن مستحب است و اگر ترس از این نداشته باشد که به دلیل مخالفت با با عامه یا جان یا مال یا آبرویش صدمه ای وارد نشود می تواند در زمان نیت حجر الاسود در طرف راستش باشد ولی نصوص تصریح به استحباب ر به حجر الاسود بودن کردند

باید هنگام طواف کعبه در سمت چپش باشد

اگر رو به کعبه یا پشت به آن یا در سمت راستش قرار بگیرد ولو به اندازه یک قدم طوافش باطل است

دور زدنش باید بین کعبه و مقام ابراهیم باشد

البته در زمان ما داخل در مقام ابراهیم بودن را شرط نمی دانند

حجر اسماعیل را داخل طوافش بیندازد یعنی نمی تواند داخل حجر اسماعیل برود

همچنین تمام بدنش از حجر خارج باشد چیزی دیگری غیر از حجر اسماعیل واجب نیست داخل طواف قرار بگیرد؛ بعضی از اهل سنت مقدار کمی از حائط را هم درون طواف قرار می دهند

باید تمام بدنش از بیت خارج باشد

اگر دستش را داخل ذر بیت بکند  
اگر بر شاذروان بیت راه برود حتی یک قدم  
اگر دستش را داخل شاذروان بکند برای مس کعبه  
اگر خواست مس کند باید توقف بکند و مس بکند و دوباره از همانجا طوافش را ادامه بدهد

طوافش باطل است

هفت دور بچرخد

اگر عمدا بیشتر دور بزند ولو یک گام طواف باطل است  
اگر سهوا از هفت رد شد اگر دور هشتم را تمام نکرده طواف را قطع می کند و چیزی بر او نیست و اگر پادش آمد و ادامه داد ولو یک گام مثل متعمد است

اگر به دور هشتم رسید و فهمید مخیر است بین اینکه قطع بکند و یا تا دور هفتم ادامه بدهد و طواف دوم را به نیت استحباب انجام بدهد؛ در این حالت باید ابتدا نماز طواف واجب را بخواند و نماز طواف مستحب را بعد از سعی بین صفا و مروه بخواند

دو رکعت نماز طواف را پشت مقام ابراهیم بخواند

مولف در الفیه یکی از دو طرف مقام را هم صحیح دانسته است  
اگر از دحام جمعیت اجازه نماز پشت مقام را نمی دهد قوی که مولف در الفیه اختیار کرده بهتر است که در دو طرف مقام هم می تواند  
در نیت نماز هم باید طواف را مشخص کند که مثلاً طواف عمره تمتع بوده است یا غیر آن و هم قصد قربت بکند  
نماز طواف مستحب را هر جا از مسجد الحرام که خواست می تواند بخواند ولی خواندن در پشت مقام ابراهیم افضل است

اولی این است که اداء را هم به نیت اضافه بکند

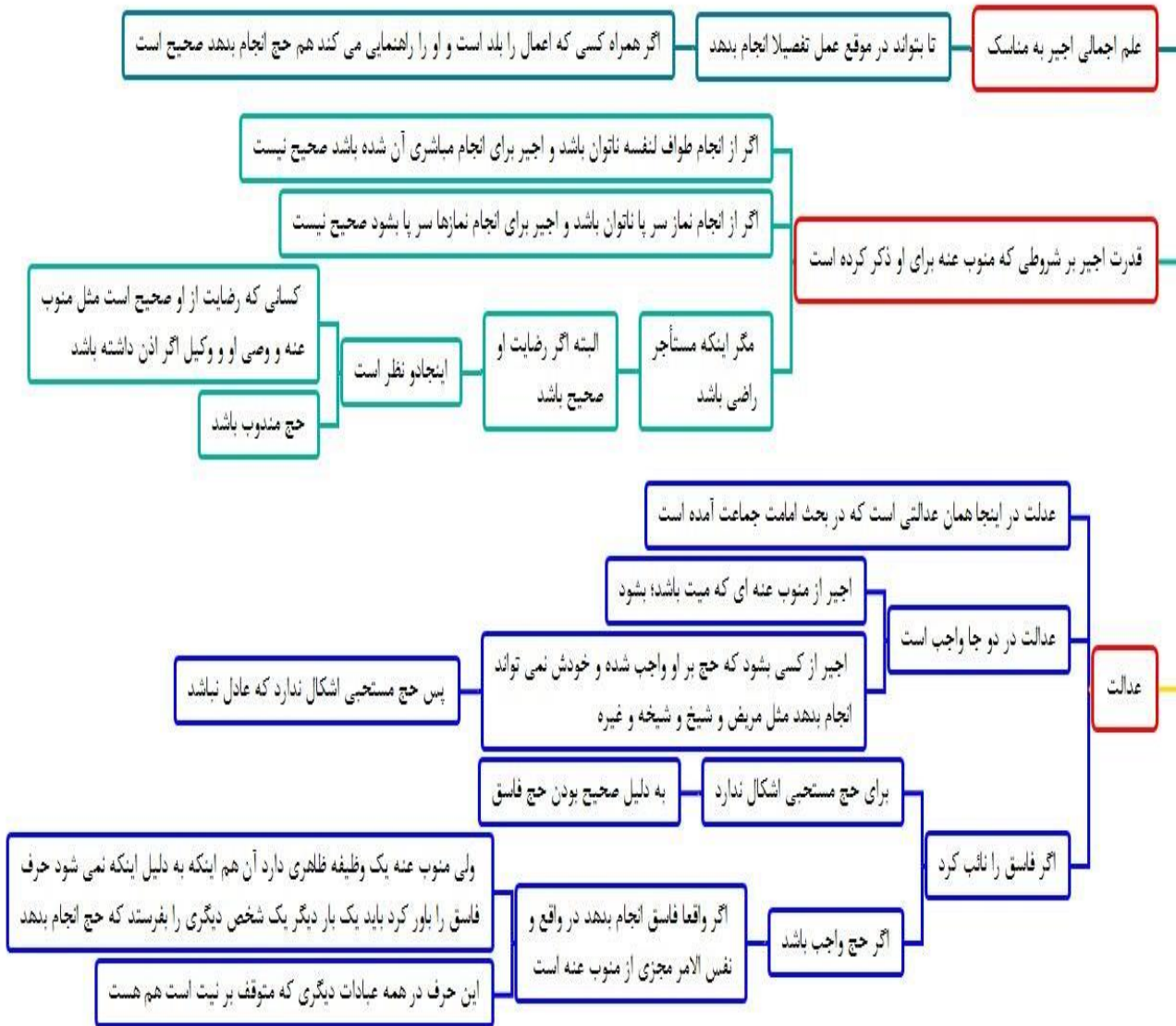
پشت سر هم بودن چهار شوط از طواف

اگر کمتر از چهار دور چرخیده بود و طواف را متوقف کرد حتی اگر برای ضرورتی باشد یا برای داخل شدن در بیت یا نماز واجب که خوف فوت آن به علت ضیق وقت را دارد؛ طوافش باطل است  
اما بعد از شوط چهارم برای ضرورت یا نماز فریضه یا حتی نماز نافله ای که خوف فوت آن می رود یا قضای حاجت مؤمنی؛ می تواند طواف را قطع کند و ضرورت را برطرف بکند و دوباره بقیه را ادامه بدهد  
این برای طواف فریضه است ولی در طواف نافله حتی قبل از چهار شوط هم می توان قطع کرد  
موقعی هم که جایز است قطع بکند باید از همانجا که قطع کرد ادامه طواف را انجام بدهد  
البته باید برای یک عذری باشد ولی مصنف در دروس حتی بدون عذر را هم مجوز داده است

نکات

اگر در حین سعی پادش بیاید که نقصی در طوافش بود  
اگر بیشتر از ۷ شوط انجام داده بود به علت بطلان طوافش سعیش هم باطل است  
اگر بیشتر از ۷ شوط انجام داده بود هم طوافش صحیح است و هم سعیش صحیح است  
اگر بعد از فراغ از طواف شک کرد چه به نقیصه چه به زیاده اعتباری به شکش نمی کند و در رکن نباشد مثلاً شک بکند شوطی که در آن هست شوط ششم است یا هفتم این شوط باعث بطلان می شود  
اگر در انبای طواف شک بکند اگر در تعداد شوط ها شک بکند  
اگر در تعداد شوط ها شک بکند  
اگر در طواف مستحبی شک بکند همیشه بنا را بر اقل می گذارد چه به زیاده شک بکند چه به نقصان  
اگر نقصان طوافش به کمتر از ۴ شوط انجام کلا طوافش باطل است و سعی هم که باطل است باید هر دو را از اول انجام بدهد  
اگر نقصان طوافش بعد از اكمال ۴ شوط باشد بر می گردد و ادامه شوط های انجام نشده را تکمیل می کند و سپس ادامه سعی را نیز تکمیل می کند  
اگر بیشتر از ۷ شوط انجام داده بود هم طوافش صحیح است و هم سعیش صحیح است  
اگر در رکن نباشد مثلاً شک بکند شوطی که در آن هست شوط ششم است یا هفتم این شوط باعث بطلان می شود  
اگر در انبای طواف شک بکند اگر در تعداد شوط ها شک بکند  
اگر در طواف مستحبی شک بکند همیشه بنا را بر اقل می گذارد چه به زیاده شک بکند چه به نقصان  
زیرا هر طرف را که بگیرد یا باعث زیادت عمدی یا نقصان عمدی می شود  
شک بکند که در شوط هفتم است یا هشتم و در رکنی که در آن حجر الاسود هست باشد، بنا را بر اقل می گذارد و طوافش هم صحیح است  
شک بکند که در شوط هفتم است یا هشتم و به رکن عراقی که در آن حجر الاسود است نرسیده باشد حکم به بطلان می شود  
به دلیل اصالت عدم زیاده

## شروط صحت نیابت





## مستحبات طواف

غسل قبل از دخول در مکه از چاه میمون یا فح یا غیر این دو

جویدن اذخر که گیاه سبزی و خوشبویی است

دخول در مکه از اعلائی آن یعنی از طرف مدینه

با پای برهنه و نعلین به دست و با سکینه و وقار و خشوع وارد مکه بشود

از باب بنی شیبه وارد بشود

تا پا بر جای بزرگ ترین بت که هبل بود بگذارد

و در هنگام دعا خواندن رو به حجر الاسود باشد و دستانش را به سمت آسمان بلند بکند

همچنین مستحب است دعا در تمام حالات طواف

همچنین مستحب است قرائت سوره قدر و ذکر خدای تعالی به هر لفظی که خواست و طمانینه در راه رفتن

در کنار حجرالاسود بایستد و دعای مائوره ی آن را بخواند

طواف قدوم یا به معنای کسی است که اولین بار به طواف رفته است و یا طواف مستحبی برای کسی که حج قرآن یا افراد انجام می دهد و قبل از وقوف وارد مکه می شود

البته این حرف را شیخ طوسی در المبسوط برای طواف قدوم بیان کرده است

البته حتی اگر استحباب این کار را قبول بکنیم مربوط به مرد سالم است نه شخص مریض و نه زن و نه خنثی

باز هم به شرط اینکه باعث ایذاء و آزار دیگران نشود مستحب است و اگر باعث ایذاء بشود حرام است

اگر در حال طواف سواره است مرکب خود را حرکت سریع بدهد به جای هروله در سه شوط اول

اگر در سه شوط اول هروله پادش رفت قضای آن در بقیه شوط ها واجب نیست

اگر امکان داشت حجر الاسود را ببوسد و اگر به علت ازدحام نتوانست یا دستش را به آن بمالد و دستش را ببوسد یا از دور با دست به آن اشاره بکند و دستش را ببوسد

این لمس و بوسیدن حجر الاسود در همه شوط ها مستحب است و اگر در همه نتوانست در شوط اول و آخر انجام بدهد

در سه شوط اول هروله کنان طواف بکند و در چهار شوط بعد راه برود

لمس کردن و بوسیدن حجر الاسود به وسیله دستش یا سایر اعضای بدنش

لمس کردن ارکان اربعه بیت الله؛ یعنی رکن یمانی؛ عراقی؛ شامی و غربی و بوسیدن رکن یمانی و عراقی

مستحار در مقابل درب کعبه قرار دارد و محل استعاذه طواف کنندگان به پروردگارشان است

چسباندن شکم به دیوار مستحار در عمره تمتع

به دلیل این گفته طواف عمره تمتع زیرا که در اینجا لباس احرام بر تنش هست و بیرون آوردن شکم آسان است ولی در طواف حج قمیص پوشیده است و بیرون آوردن شکم آسان نیست

طرف راست و چپ صورتش را نیز مستحب است که به جدار مستحار بچسباند

دعا و احضار گنلهانش در قلبش و شمردن آنها و استغفار کردن از آنها در کنار مستحار

لمس کردن مستحار در شوط هفتم

نزدیک بودن به کعبه در هنگام طواف

مکروه است سخن گفتن در هنگام طواف به غیر از ذکر و دعاء و قرائت قرآن

## مسائل طواف

همه طواف های واجب رکن برای حج یا عمره هستند و اگر عمدا ترک شوند باعث باطل شدن حج می شوند مگر طواف نساء

زیرا طواف نساء در صحت حج و عمره تاثیری ندارد و بعد از حج تمتع با عمره مفرده واجب می شود و اگر عمدا انجام نشود باعث ابطال حج و عمره نمی شود

اگر کسی طواف واجب را جهلا هم انجام ندهد مانند عمدی است ولی اگر نسیانا انجام ندهد باعث ابطال نمی شود ولی باید دوباره انجام بدهد

اگر غیر از چهار شوط اول از بقیه شوط ها چیزی فراموشش شده باشد می تواند برای آنها نایب بگیرد

البته اگر طواف نساء را انجام ندهد واجب است که برگردد و انجام بدهد ولو اینکه به شهر خودش رفته باشد و اگر برگشتن به مکه برایش مشقت زیاد داشت می تواند کسی را نایب بفرستد که طواف نساء را برایش انجام بدهد

اگر طواف نساء را فراموش بکند و از مکه خارج بشود می تواند در حالت اختیار هم نایب بگیرد

و اگر کسی طواف نساء را انجام نداد چه عمدا چه جهلا و چه نسیانا تا چه مباشرتا و چه نسیانا انجام نشود زن با زناش بر او به صورت مطلق حرام می شوند چه دخول؛ چه عقد؛ چه بوسیدن؛ چه لمس کردن و چه حتی نظر انداختن برای تلذذ

و علی الاصح اگر تارک طواف نساء زن باشد تمکین همسرش بر او حرام می شود تا طواف انجام شود

مقابل این اصح این قول است که جواز تمکین دارد و بلکه واجب است بر او تمکین در هنگام درخواست همسر به دلیل عمومیت داشتن ادله وجوب تمکین

جایز است برای کسی که حج قران با افراد انجام می دهد مقدم کردن طواف و سعی بر وقوف در عرفات اختیاری ولی باید بعد از نماز طواف بلافاصله تلبیه بگوید و همچنین تقدیم طواف و سعی بر وقوف در عمره تمتع در هنگام ضرورت نیز جایز بود مثل خوف حیض و نفاس و اینجا هم تجدید تلبیه واجب است

ولی طواف نساء را نمی تواند بر وقوف مقدم کرد

طواف نساء در همه نسک چه حج و چه عمره واجب است مگر در عمره تمتع که طواف نساء بعد از حج تمتع واجب است

البته برخی در عمره تمتع هم طواف نساء را واجب دانسته اند که البته قول ضعیفی است

طواف نساء بر همه کسانی که حج انجام می دهند واجب است چه زن چه مرد چه بزرگ و چه کوچک و چه قادر به جماع و چه ناتوان از آن؛ حتی غیر مکلف اگر انجاش ندهد ترویج بر او جایز نیست مگر اینکه بعد از بلوغ طواف نساء را اتیان بکند

طواف نساء بعد از سعی باید انجام بشود و اگر جلو انداخته شود عمدا و جهلا باید اعاده اش بکند و اگر ناسیبا باشد اشکالی ندارد و مجزی است

پوشیدن لباس برطله که یک قلنسوه بوده که در قدیم می پوشیدند در هنگام طواف حرام است

قلنسوه یک لباس درازی بوده است که شبیه لباس های پهلوی ها بوده است و از پوشیدن آن در هنگام طواف نهی شده است

قیل: این منع مختص به پوشیدن سر است

قول ابن ادریس است و مصنف در دروس به این نظر نزدیک شده است

البته هر چند که این کار حرام است ولی طواف را باطل نمی کند و همچنین اگر با لباس دوخته شده طواف انجام بدهد

در مورد زنی که نذر کرده روی چهار دست و پا طواف انجام بدهد

نظرات

شیخ طوسی

محقق حلی

ابن ادریس

قیل

طواف به نحو معهود متعارف (بر روی دو پا) دو مرتبه انجام می شود

حکم به دو طواف فقط برای زن می شود

و این نذر برای مرد باشد نذر باطل است

برای هر دو (چه زن و چه مرد) باطل است

نذر منعقد شده ولی وصف آن منعقد نشده

فرقی هم نمی کند که زن باشد یا مرد

این قول تضعیف می شود به اینکه نذر نادر مطلق طواف نبوده بلکه طواف روی چهار دست و پا بوده است

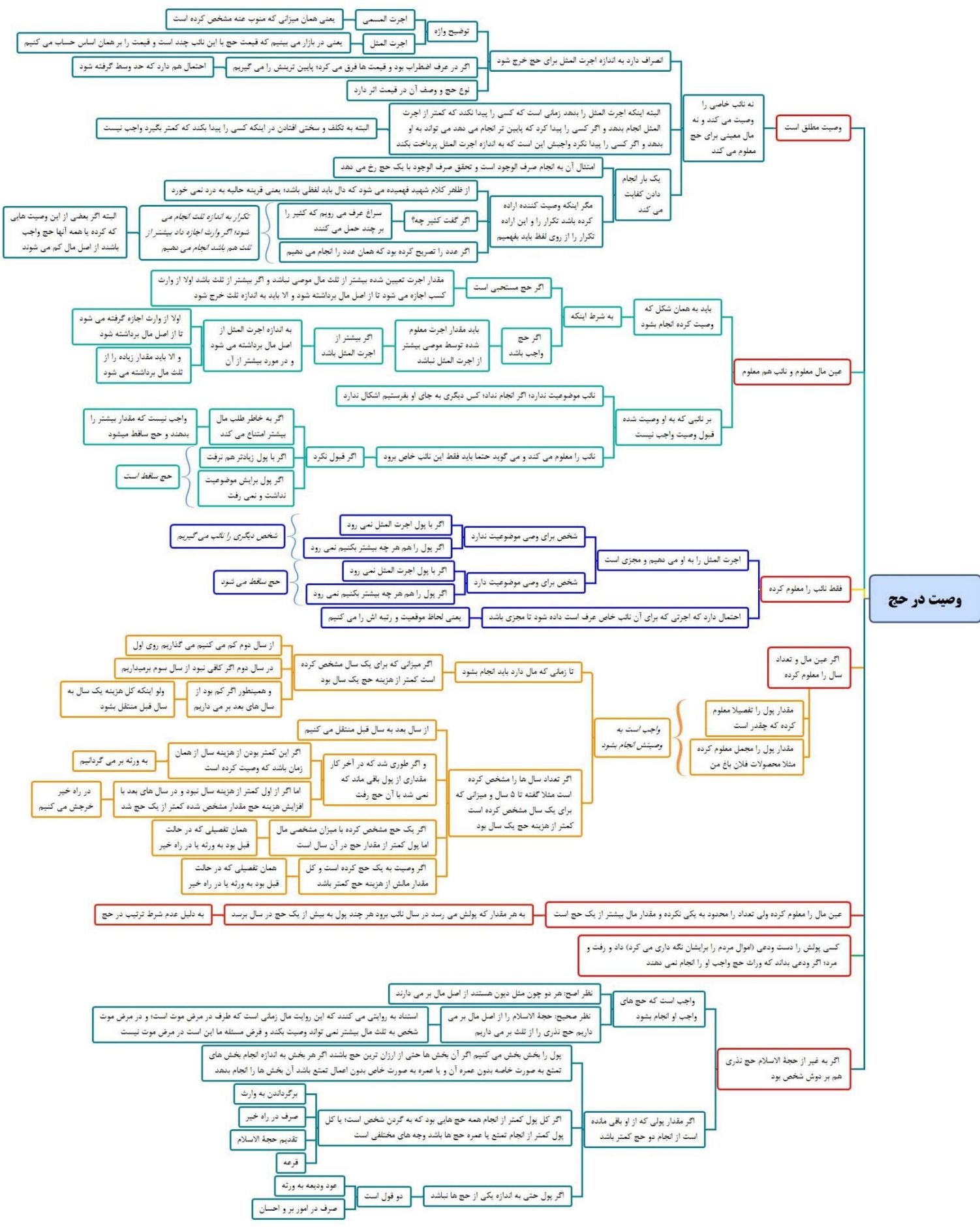
برای هر کسی که در مکه است مستحب است که زیاد طواف انجام بدهد

و طواف مستحب برای کسی که وارد مکه می شود افضل از نماز مستحب است در همه سال ها و برای مجاورین حرم در سال اول اینطور است و در سال دوم نماز و طواف مساوی می شوند و در سال سوم نماز افضل است

لکن برای مجاور ۳۶۰ طواف مستحب است که در مجموع می شود ۲۵۲۰ شوط و اگر این تعداد عاجز بود این عدد (یعنی ۳۶۰) را اختصاص به شوط ها بدهد یعنی ۳۶۰ شوط بچرخد که میشود ۵۱ طواف انجام دهد و سه شوطی که کم می آید را در طواف آخر انجام بدهد یعنی طواف آخر را ده شوط بچرخد البته برخی گفتند این سه شوط را به یک طواف دیگر ملحق بکند و در واقع ۵۲ طواف انجام بدهد

دو طواف را بدون هیچ فاصله ای انجام دادن یا بعد از تمام شدن طواف اول بدون فاصله چند شوط مستحقی چرخیدن؛ در طواف واجب باطل کننده و در طواف مستحب مکروه است







مقدمات مستحبه سعی

- لمس کردن حجر الاسود هنگام خروج به سمت سعی
- خوردن از آب زمزم و ریختن از آب آن بر اعضا و بدن خود
- طهارت از حدث
  - قیل و همچنین طهارت از خبث
  - از باب صفا خارج شود که الان باب بنی شیبه است
- بعد از صعود به کوه صفا بر روی آن بایستد به مقداری که بیت را از باب صفا مشاهده بکند و در آن نقطه قبل از شروع سعی با تائی دعا بکند و ذکر بگوید
- کیفیت استحباب ذکر در صفا هم به این شکل است: **الله اکبر! الحمد لله! لا اله الا**

نیت

- نیتی که مشتمل بر قصدش که چه نوع حج یا عمره ای است و مشتمل بر قصد قربت و مقارن شروع حرکت باشد
- مثلا به این شکل نیت بکند: **أفعل السعی لعمرة التمتع فربة الی الله تعالی**
- هنگام نیت از صفا صعود کرده است و در هر کجای آن که باشد می تواند نیت بکند
- هنگامی که به مروره رسید اگر وارد مروره نمی شود باید انگشتان پهلایش را به آن برساند

شروع هر شوط از صفا و پایان دادن به مروره

- هر یک رفتن از صفا به مروره یک شوط و برگشت از مروره به صفا هم یک شوط است و باید هفت شوط انجام بدهد
- اگر عمدا پیش از یا کمتر از هفت شوط انجام بدهد سعیش باطل است
- اگر کمتر از هفت شوط انجام داد باید مقداری که کم است را جبران بکند هر چند مدت زیادی گذشته باشد زیرا مولات بین شوط ها شرط نیست؛ هر چند که کمتر از ۴ شوط را هم انجام داده باشد ولو یک شوط؛ باید از همان تعداد که نقص دارد شروع بکند و مانند طواف نیست که کمتر از ۴ باید از اول شروع می کرد
- اگر سهوا بیشتر از ۷ شوط شد مخیر است بین ابطال سعی یا قطع سعی و یا اگر شوط هشتم را کامل کرده تکمیل سعی دوم و اگر قبل از اكمال شوط هشتم باشد بیاید واجب است که شوط زائد را باطل بکند
- مخیر است بین رها کردن و ادامه ندادند؛ بین اكمال دور دوم سعی
- بعد از اكمال شوط هشتم متوجه بشود قبل از اكمال شوط هشتم متوجه بشود باید رها بکند و ادامه ندهد
- اگر ادامه داد سعی دوم مستحب است
- مستحب دیگری نداریم یعنی سعی مستحبی که از ابتدا مستحب باشد نداریم
- کلا به جز این حالت که پیش می آید سعی مستحب دیگری نداریم

واجبات سعی

- وجوب کفاره بر کسی که نسیئا جرمی را مرتکب شده است در حالی که بر ناسی کفاره نیست فقط در خصوص صید
- این حکم به دلایلی مخالف اصول شرعی است
- و همچنین قرار دادن گلو برای کفاره گرفتن یک ناخن در حالی که کفاره گرفتن تمام ناخن ها یک گوسفند است
- کفاره گرفتن ناخن را مسلوی با کفاره جماع قرار داده است
- وجوب کفاره گلو فقط برای جماع است
- شاهد ثانی
- برخی از فقها هم روایتی که در اینجا هست را گرفتند و عمل کردند و توجیهی هم به مخالفت های آن با اصول شرعی نکرده اند می گویند زیرا که بعد از ورود نص جایی برای عقل نیست
- برخی همانند ابن ادریس کفاره گلو را واجب دانسته اند زیرا که این شخص همانند ناسی نیست زیرا که وظیفه اش این بود که یقین کند که سعی انجام شده و خارج شود ولی با حالت فلن از سعی خارج شد
- سعی جزو ارکان است و اگر عمدا یا جهلا ترک بشود باعث بطلان حج یا عمره می شود و اگر ناسی بود در صورت امکان خودش بر می گردد انجام می دهد و در غیر این صورت ناسب می گیرد و در این حالت مجرماتی که برداشته شدنشان متوقف بر انجام سعی است از او برداشته نمی شوند تا سعی او ایتان شود
- اگر فلن پیدا کرد که سعی را انجام داده است و وارد طواف نساء یا تقصیر شد یا ناخنی از خودش را گرفت؛ و بعد معلوم شد خطا کرده باید سعی را تکمیل بکند و یک گلو کفاره بدهد

نکات

- به خاطر حاجت می تواند در وسط آن قطع کند و حاجت را برطرف بکند و ادامه اش را انجام بدهد
- چون مولات در سعی شرط نبود به خاطر استراحت بین شوط ها وحتى وسط یک شوط هم می تواند سعی را متوقف بکند
- قیل: همانند طواف است و قطع آن همان حالت های قطع طواف را دارد

# تقصیر

## ماهیت تقصیر و واجبات آن

تقصیر یعنی چیدن مو یا گرفتن ناخن که با تقصیر از احرام خارج و محل می شود

تقصیر بعد از سعی است

موقعی که سعی برای عمره تمتع باشد فقط باید تقصیر انجام بدهد ولی وقتی سعی برای غیر عمره تمتع باشد می تواند حلق را جایگزین آن بکند

اگر در عمره تمتع عملاً و عامداً حلق انجام بدهد باید گوسفندی فدیه بدهد و مجزی از تقصیر هم نیست

قیل: مجزی از تقصیر هست به دلیل اینکه در ابتدای حلق که مقداری از موها را زده تقصیر صدق می کند و حرام آن چیزی که بعداً اتفاق می افتد و تمام موهایش را می زند

البته اگر ناسیا یا جاهلاً حلق انجام بدهد چیزی بر او نیست

البته این قول زمانی صحیح است که از اول نیت حلق نکرده باشد و در ابتدا نیت تقصیر داشته و سپس همه موها را زده

اگر کسی که عمره تمتع انجام داده قبل از تقصیر عامداً با زنان مجامعت بکند اگر وضع مالی اش خوب است باید یک شتر اگر متوسط است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند فدیه بدهد

مرجع اینکه موسر است یا متوسط یا معسر حرف و محله آن شخص است

اگر جاهل یا ناسی باشد چیزی بر او نیست

## مستحبات تقصیر

مستحب است با وجود اینکه با تقصیر محل می شود خودش را شبیه افراد مجرم نگه ندارد که لباس دوخته نمی پوشند و غیره

همچنین بر اهل مکه هم مستحب است که در ایام حج خودشان را شبیه افراد مجرم بکنند



**کفاره سید**

**کفارات احرام**

**باقی کفارات**



## مواقیت

حاجی باید در میقات محرم بشود

در دو جا می شود قبل از میقات محرم بشود



اگر کسی از میقات عبور کرد باید محرم بشود مگر افرادی که استثناء شدند مثل ۱. کسی که تکرار عبور از میقات را دارد مثلاً راننده وسایل نقلیه و تاجر و ۲. کسانی که برای قتال شرعی از میقات عبور می کنند و ۳. کسی که قصد دخول به شهر مکه را ندارد... و اگر یابد رفت محرم بشود واجب است که به میقات برگردد

اگر نمیتواند برگردد اگر عمداً از میقات عبور کرده است حجش باطل است

واجب است بر او فضای آن هر چند که مستطیع نباشد زیرا نفس اراده داخل شدن در مکه سبب وجوب حج می شود

اگر قبل از دخول در حرم برگردد قضا بر او نیست هر چند که گناه کرده است

نظر: گناه بودن بنا بر مولوی بودن امر به احرام است در حالی که امر به احرام ارشادی است

اگر نمی تواند برگردد و نسیاناً و جهلاً عبور کرده است یا قصد ورود به مکه نداشته و بعد که رد شده است قصد ورود کرده هر جا که هست همانجا محرم بشود

اگر داخل در مکه شد و تا آنجا به خاطر عذری محرم نشده است

اگر باید در میقات محرم میشد و محرم نشد تا داخل مکه گردید و نمی تواند به میقات برگردد در این حالت از حدود حرم خارج می شود نزدیک ترین محلی که از حرم خارج بشود محل می شود و سپس محرم می شود وارد حرم می شود

اگر نمی تواند به بیرون از حرم برود و محرم بشود؛ از هر جایی که هست محرم می شود

اگر می تواند به میقات برگردد باید به میقات برگردد

زیرا که احرام از میقات واجب بالاصاله است و احرام از جلفای دیگر به خاطر ضرورت جایگزین آن شده است و هنگام امکان رجوع ضرورتی وجود ندارد

اگر بعد از عبور از میقات بالغ شد یا آزاد شد و محرم نشده بود مانند کسی است که قصد ورود به شهر مکه را نداشته است و بعداً قصد ایجاد شده است

همان فرض های قبل؛ اگر می تواند برگردد؛ اگر نمی تواند از هر جا که هست و اگر داخل مکه شده به نزدیک ترین جایی که محل می شود و اگر این هم نمی شود از همان جایی که در مکه هست؛ محرم بشود

## شش میقات

